

گنډ

پيشگامي چابهار در جذب سرمايه خارجي پس از برجام

● نخستين همایش «فرصت‌های سرمایه‌گذاری و توسعه پایدار در سواحل مکران»، هفته گذشته به میزبانی سازمان منطقه آزاد تجاری- صنعتی چابهار برگزار شد. رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد تجاری- صنعتی چابهار دراین‌باره گفت: مهم‌ترین ویژگی چابهار که آن را از نقاط دیگر ایران، منطقه و حتی دنیا متمایز کرده، موقعیت جغرافیایی خاصی است که این بندر دارد. چابهار در کنار شاهراه انرژی و نزدیک‌ترین نقطه به مسیرهای بین‌المللی است و صاحبان کالا برای رسیدن به بازارهای مهمی مانند بازار بکر آسیای میانه و افغانستان، بازار بزرگ کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، بازارهای ترکیه، عراق و ایران و از آن سو، بازار بزرگ هند و پاکستان، باید از این مسیر عبور کنند. این یک فرصت استثنائی و منحصربه‌فرد است که چابهار را به یک شاهراه دریایی در سطح جهان تبدیل می‌کند. این موضوع محوریت خاصی برای چابهار در حوزه ترانزیت محور شرق به غرب و برعکس و همچنین در محور ترانزیتی شمال به جنوب و برعکس ایجاد کرده است. عبدالرحیم کردی افزود: در واقع این پتانسیل‌ها می‌تواند به‌مثابه موتور توسعه جنوب ایران عمل کند که به تبع آن، همه کشور مسیر توسعه را با سرعت بیشتری طی کنند؛ اما استفاده از این پتانسیل، پیش شرط‌هایی دارد که مهم‌ترین آن، ایجاد زیرساخت در این منطقه است. این مهم، مرکز توجه مقام معظم رهبری و رئیس جمهور محترم قرار گرفت و به‌این‌ترتیب، توسعه سواحل مکران کلید زده شد. چابهار یکی از کلیدی‌ترین نقاط در سواحل مکران است؛ بنابراین ما هم در راستای آن هدف ملی، توسعه زیرساخت‌ها در منطقه آزاد چابهار را مدنظر قرار دادیم. کردی با اشاره به حضور فعالان اقتصادی بین‌المللی در همایش معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در مکران، ادامه داد: «در حاشیه این همایش، هفت تفاهنامه بزرگ اقتصادی با شرکت‌هایی از هند، عمان، چین و کره‌جنوبی به ارزش سه‌میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار در قالب پروژه‌های مختلف صنعتی و تجاری به امضا رسید. مدیرعامل منطقه آزاد چابهار گفت: پروژه پارک لجستیک با سرمایه‌گذاری مشترک شرکت‌های ایرانی و شرکت عمانی «MHD» به ارزش تقریبی بالغ بر ۱،۲میلیارد دلار انجام خواهد شد. این پروژه به منظور توسعه محور شرق و کریدور ترانزیتی شمال- جنوب تعریف شده و تحقیق «توافق‌نامه چابهار» میان ایران، افغانستان و هند و همچنین «توافق‌نامه عشق‌آباد» میان شش کشور ایران، عمان، ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان و پاکستان را مدنظر دارد. پارک لجستیک در زمینی به مساحت ۱۵۰ هکتار در منطقه آزاد چابهار احداث می‌شود. کردی افزود: تفاهنامه منطقه دیگری بین سازمان منطقه آزاد چابهار و شرکت پوسکو از کره‌جنوبی با هدف توسعه زیرساخت‌ها از طریق تشکیل یک کنسرسیوم چندملیتی منعقد شد. قرار است این کنسرسیوم چندملیتی، به امکان‌سنجی طرح‌های در زمینه صنایع فلزی، صنعت ساختمان، ارتباطات و حمل‌ونقل بپردازد. تأمین مالی پروژه‌ها، تأسیس شهرک‌های تخصصی صنعتی و احداث واحدهای مسکونی، ازجمله برنامه‌های این کنسرسیوم است. فعالیت این گروه در پیکره صنایع سنگین منطقه آزاد چابهار تعریف شده است و حجم سرمایه‌گذاری‌های آن، بالغ بر ۵،۱ میلیارد دلار خواهد بود. رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد تجاری- صنعتی چابهار گفت: تفاهنامه‌ای احداث هند به نمایندگی از هندوستان، این تفاهنامه را امضا کرده‌اند. ایده ساخت این شهرک پس از تقاضای گسترده بازرگانان و فعالان اقتصادی هند برای دستیابی به بازار منطقه‌ای و استفاده از کریدورهای ارتباطی ایران مطرح شد و احداث آن از سوی دو طرف در دستور کار قرار گرفت. این شهرک صنعتی با سرمایه‌گذاری اولیه ۵۰۰ میلیون دلار در زمینی به مساحت ۳۰۰ هکتار راه‌اندازی خواهد شد. رئیس هیئت‌مدیره سازمان منطقه آزاد چابهار به اشتیاق شرکت‌های چینی برای سرمایه‌گذاری در چابهار اشاره کرد و ادامه داد: شرکت چینی CHIR در اجرا و ساخت پروژه‌های مختلفی در این منطقه مشارکت خواهد داشت. وی افزود: تأسیس شهرک‌های تخصصی و صنعتی مختلف، احداث واحدهای مسکونی و سایر پروژه‌های زیرساختی مورد نیاز منطقه، در کنسرسیومی متشکل از یک شرکت ایرانی، شرکت سیتیک از چین و سازمان منطقه آزاد چابهار انجام می‌گیرد. کردی از افزایش فعالیت شرکت‌های ایرانی در منطقه خبر داد و گفت: تفاهنامه‌ای بین شرکت‌های داخلی پتروشیمی توسعه نگین مکران و گروه مپنا و تفاهم دیگری بین شرکت‌های عمران شهر جدید رامشار و پترو عمران مکران برای ساخت نیروگاه تولید برق و مشارکت در احداث شهر جدید تیس منفذ شده است. نیروگاه تولید برق به ارزش تقریبی ۱۷۹میلیون یورو و با ظرفیت تولید ۳۴۰ مگاوات، به صورت مشارکتی انجام خواهد شد. رئیس هیئت‌مدیره سازمان منطقه آزاد چابهار در پایان گفت: منطقه آزاد چابهار تلاش دارد بیشترین استفاده را از فرصت‌های پس‌ابرجام ببرد و تاکنون پیشگام جذب سرمایه خارجی بوده‌ایم.

ادامه از صفحه ۵

خط فقر نسبی را که کوچک‌تری نشان می‌دهد و خط فقر مطلق و نسبی به هم نزدیک شده و عملاً موضوع ما همان فقر مطلق می‌شود. اگر فقر مطلق را هدف‌گذاری کنیم و این پایه سیاست‌گذاری ما باشد، ساختار درآمدی نیز اصلاح می‌شود. به‌همین‌دلیل در قانون برنامه چهارم توسعه، هدف‌گذاری شده بود این سیاست‌گذاری تا خط فقر مطلق اعمال شود و از خط فقر مطلق تا نسبی سیاست‌گذاری‌های دیگری در نظر گرفته شود. حال آنکه در عمل این‌ها روی هم سوار و به هم نزدیک هستند.

کاشما پیش از این به فقر قابلیت هم اشاره کردید. فقر قابلیتی چه نوع فقری است و وضعیت این نوع فقر در کشور چگونه است؟

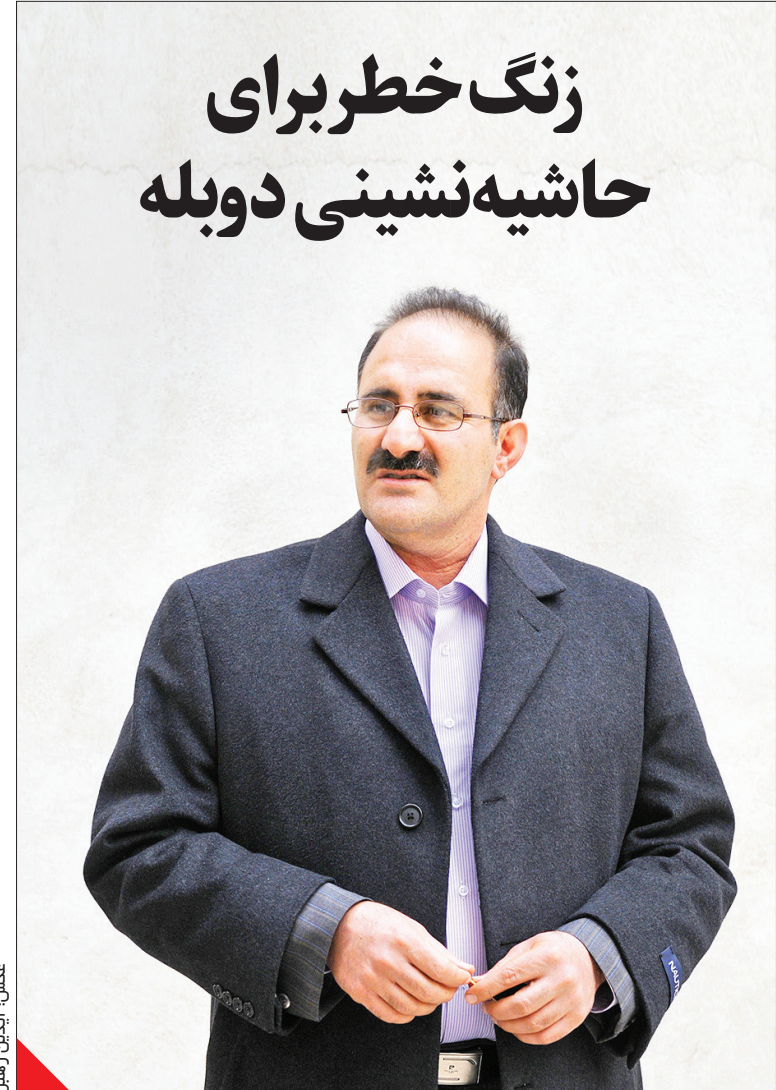
فقر قابلیتی می‌گوید جنس فقر از جنس درآمد نیست و درآمد یکی از جلوه‌های فقر و محرومیت است و فقیر را به مثابه محروم از درآمد نمی‌بیند. بلکه فقر را به مثابه محرومیت از قابلیت یا توانمندی‌هایی می‌داند که اجازه زندگی بهتری با باکیفیت‌تر را به فرد نمی‌دهد. کسی‌که درآمد دارد، ممکن است درآمدش بیشتر از خط فقر باشد و از نظر معیار درآمدی فقیر محسوب نشود، اما چون الگو و دانش لازم را برای تکیه سالم نداشته عملاً از این درآمد برای سلامت خودش به‌خوبی بهره‌برداری نکرده است. خانوارهایی هستند که بالای خط فقر هستند اما سوءتغذیه دارند. از جنبه دیگر، گاهی درآمد به کارکرد تبدیل نمی‌شود. مثلاً شما فردی هستید که از نظر درآمدی فقیر نیستید و می‌توانید سوار هواپیما شوید اما به سبب فرسودگی‌های هواپیما، جرئت ندارید سوار آن شوید و درآمد شما برایتان تبدیل به کارکرد نمی‌شود و شما در جلوه‌ای از فقر قرار می‌گیرید. شما در تهران هستید، دکه بالای خط فقر هستید اما مجبورید آلودگی هوا را استنشاق کنید. اشتیاق هوا که سالانه بیشتر از ۲۰۰ روز آلوده است، جلوه‌ای از فقر قابلیتی است. همین‌طور دسترسی‌ناداشتن به بهداشت و آموزش و کالاهای عمومی مناسب فقر را از حالت یک بعدی درآمد خارج کرده و فقر را چندبعدی می‌کند. حتی اگر وسیع‌تر نگاه کنیم، کسانی که درآمد دارند اما اجازه مشارکت سیاسی و اجتماعی ندارند و از آزادی‌های انسانی و اجتماعی هم محروم‌اند و از جلوه‌های ناآزادی رنج می‌برند، همه در دسته فقر قابلیتی قرار می‌گیرند. به‌طور خلاصه، فقر قابلیتی ناظر بر این نکته است که صرف اینکه درآمد فقرا بالای خط فقر درآمدی باشد از محدوده فقر (به‌نظر این دیدگاه) خارج نمی‌شود. بلکه باید به سایر محرومیت‌ها و محدودیت‌های آن نیز توجه کرد. شاید اگر قرار باشد جامعه ایران را واقعاً از دیدگاه فقر قابلیتی در نظر بگیریم، بیش از نیمی از آنها دچار فقر قابلیتی باشند و شاید هم بیشتر.

اکنون جامعه ما تا چه اندازه با فقر احساسی مواج است؟

اساساً فقر زمانی موضوعیت می‌یابد که احساس شود. تا زمانی که فرد نفهمد فقیر است حال چه فقر درآمدی و چه فقر قابلیتی، احساس نخواهد کرد فقیر است. مثلاً فقر مطلق در شکل حاد آن می‌تواند فقط معطوف به غذا باشد. یعنی فرد شکم خود را نیز نتواند سیر کند. البته در این حالت چون گرسنگی را حس می‌کنید احساس فقر خواهد کرد اما بسیاری کمبودها و محدودیت‌های قابلیتی خود حس نمی‌شود فرد احساس فقر نمی‌کند. احساس فقر از یک طرف و اعتماد و احساس توانایی برای اینکه فرد می‌تواند از فقر خارج شود یا نتشود، حائز اهمیت است و موضوع فقرزدایی باید مدنظر قرار گیرد. یکی از مواردی که وجود دارد این است که فرد ممکن است به‌صورت کاذب احساس کند فقیر است یا فقیر نیست. اکنون بیشترین حسی که وجود دارد و حس فقیربودن است و اینکه فرد نمی‌تواند از فقر خارج

شود. در این حالت فرد خود را با جامعه اطرافش مقایسه می‌کند و نسبت به آنها می‌سنجد و می‌بیند از امکانات مشابهی برخوردار نیست. بنابراین امکان است دچار سرخوردگی یا گرفتار برخی رفتارهای ناهنجار علیه جامعه شود، احساس می‌کند در تله افتاده است. فقر قابلیتی می‌گوید با توانمندسازی، افزایش دانش، مهارت و اعتمادبه‌نفس ... فرد می‌تواند از فقر خارج شود و باید درباره این مسئله هدف‌گیری و در فرایند‌های مربوط به فقرزدایی این احساس باید زوده شود. برای مثال، ممکن است یک راننده تاکسی بپرسید چقدر درآمد دارد و به شما بگوید ماهانه سه میلیون تومان درآمد دارد و بالای خط فقر و راضی است. ممکن است شما بپرسید چند ساعت در روز کار می‌کند، آیا فرزندانش را می‌بیند؟ پاسخ می‌دهد زمانی که از خانه خارج می‌شوم یا برمی‌گردم فرزندام در خواب هستند؛ یا از او پرسید اگر خودرویش خراب یا خودش بیمار شود و نتواند کار کند، درآمدش متأثر خواهد شد؟ وقتی ابعاد کیفیت زندگی را برایش تشریح کنید تازه متوجه می‌شود نگاه به فقر و کیفیت زندگی وسیع‌تر است. بنابراین اگر برایش تشریح کردید وقتی سرپرست خانوار نمی‌تواند برای خانواده‌اش وقت بگذارد و فرزندانش را ببیند

اقتصاد



پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

پروژه

تا افراد یاد بگیرند با هم مشارکت داشته باشند و جمعی تصمیم‌گیری کنند. نکته آخر بحث اشتغال است که به تقویت اشتغال کمک می‌کند و معمولاً با روش ایجاد اشتغال بنگاه‌های کوچک و متوسط، می‌توانیم رشد بیشتری را تجربه کنیم.

کدام‌ترین جلوه فقر در ایران از چه نوعی است و شیوه برخورد دولت با آن چگونه است؟
به نظر می‌رسد حادث‌ترین نوع فقر، گرسنگی و بیماری‌های ناشی از سوءتغذیه است. این امر به‌ویژه درباره کودکان بسیار آزاردهنده است. دولت می‌تواند برنامه‌های تغذیه‌ای در مدارس و مراکز خاص و نیز کمک‌های غیرنقدی برقرار کند. اما در بلندمدت مسئله توانایی در خروج از وضعیت فقر است که باید در دستور کار دولت باشد.

کدام‌اگر را از این مرحله فراتر بگذاریم، فقر در ایران به سطح هشدار رسیده است. آیا نسبت به آن هشدار اجتماعی داده شده است؟
شاید از نظر فقر درآمدی هنوز به مرحله هشدار نرسیده باشیم اگرچه نشانه‌های بارز آن هر روز بیشتر دیده می‌شود. اما از نظر فقر قابلیتی و حس ناامیدی‌ای که در جامعه وجود دارد و آثار اجتماعی که به بار آورده، می‌تواند خطرناک باشد. دنیای ارتباطات در عصر حاضر موجب شده است احساس ناامیدی در افراد نسبت به حقوق و شرایط زندگی خود آگاه‌تر شوند. این آگاهی در کنار ناتوانی می‌تواند بسیار مسئله‌آفرین باشد و به‌طور گسترده‌ای به ناهنجاری‌های اجتماعی اعم از انواع فساد دامن بزند.

کدام‌در چه سطح هشدار قرار دارد؟ به مسئولان هشدار داده شده؟

به نظر به مسئولان این هشدار داده شده است. اگر جلوه‌های آسیب‌های اجتماعی را در جامعه مشاهده کنید، وقتی ۱۲ میلیون نفر حاشیه‌نشین شهری هستند، نرخ‌های بالای مربوط به طلاق و سایر برهکاری‌های اجتماعی، میزان شیوع فساد اقتصادی در جامعه، بحران کم‌آبی ... می‌تواند بر گروه‌های پایین درآمدی اثر داشته باشد. به عنوان نمونه هرچه بحران کم‌آبی عمق بیشتری پیدا کند، گروه‌های فقیر در بخش کشاورزی، مناطق روستایی و جاهایی که توان مهاجرت به جای دیگر را ندارند، بیشتر متأثر می‌شوند که یا باید توان مهاجرت به جای بهتر را داشته باشند یا به فقر تن دهند. خیلی خانوارها هستند که در عرض دو، سه سال گذشته در مناطقی بودند که زیر کشت برنج می‌رفت و سالانه یکی از نیازهای اساسی خوراکی‌شان را تأمین می‌کردند و اکنون به دلیل کمبود آب، این مناطق زیر کشت نمی‌رود و حالا مجبورند علاوه بر تأمین نیازهای دیگر خوراکی، هزینه خرید برنج را هم متحمل شوند که همین مسئله باعث بیشترشدن محرومیت آنها می‌شود. یا به محرومیت بیشتر تن می‌دهند و در همان جاذ زندگی می‌کنند یا با مهاجرت، حاشیه‌نشین شهرهای بزرگ می‌شوند. اگر بحران آب به همین صورت پیش رود، در یک دهه آینده جمعیت ۱۲میلیونی حاشیه‌نشین شهری را دو برابر کند که یک هشدار جدی است.

کاشما به بعد امنیتی فقر و حس طردشدگی هم اشاره کردید. اکنون در کشور با پدیده جدی حاشیه‌نشینی به عنوان جلوه‌ای از فقر روبه‌رو هستیم که بارها نسبت به آن نگرانی‌هایی از سوی کارشناسان و برخی مسئولان مطرح شده است. ۱۱ میلیون حاشیه‌نشین محصور در فقر مطلق، تا چه اندازه کشور را با مخاطره روبه‌رو می‌کند؟

خب، اگر این عدد را بپذیریم و همه آنها را نیز در وضعیت فقر مطلق بدانیم، حدود ۱۳ درصد جمعیت ایران می‌شود که رقم کمی نیست؛ به‌ویژه اینکه حاشیه‌نشینی همان‌طور که از نام آن هم مستفاد می‌شود، حاشیه‌های شدیدی در جامعه ایجاد خواهد کرد. چرا این وضعیت پیش آمده است؟ آیا دلیل اصلی آن مهاجرت ناشی از فقر و انواع کمبودها به حاشیه شهرهای بزرگ و کوچک نیست؟!

کاشما آیا حل این مسئله صرفاً در دست سیاست‌گذار است یا مردم هم برای کاهش خطر این معضل، می‌توانند کام بردارند؟

به نظر می‌رسد سازمان‌ها و انجمن‌های غیرانتفاعی بتوانند نقش آفرینی کنند. اما این نافی نقش دولت و نهادهای مسئول نیست. مقوله فقر را نمی‌توان صرفاً به‌دست امور خیریه سپرد!

زودون فقراتر جامعه از جمله سیاست‌های اقتصادی اجتماعی دولت‌ها محسوب می‌شود.

آیا تأیبه‌حال معضلاتی در راه اصلاح این روند دیده شده است؟

به‌لحاظ نظری خیر، زیرا اکثر صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران لااقل در سخنرانی‌ها و مقالات به ضرورت توجه به فقر تأکید دارند. مشکل اینجاست که عمل اقتصادی و سیاسی آنها عملاً گاهی به توسعه فقر منجر می‌شود. متأسفانه نظریه‌های رادیکالی هم وجود دارد که از مقطوع‌النسل‌کردن فقرا و حاشیه‌نشینان دفاع می‌کند. این یعنی حذف فیزیکی فقر و فقرا!!! اما و هزار اما که فقر به دلایل ساختاری‌ای که گفتیم بازتولید خواهد شد و با روال فعلی هر دم جمعیت بیشتری را به زیر خود خواهد کشید. چاره‌ای بنیادی پیدا اندیشیده شود.

خبر

نمایشگاه بین‌المللی صنعت چوب به میزبانی تهران

● نمایشگاه بین‌المللی تهران هفته آینده میزبان نمایشگاهی است که می‌تواند زمینه‌ساز تحولی مهم در صنعت چوب کشور باشد؛ هشتمین نمایشگاه بین‌المللی صنعت چوب و صنایع و تجهیزات وابسته از ۱۸ تا ۲۱ بهمن‌ماه برگزار می‌شود. در این نمایشگاه ده‌ها شرکت داخلی و خارجی از جمهوری اسلامی ایران و کشورهای مختلف اروپایی و آسیایی‌نوین‌ترین تولیدات و دستاوردهای خود را ارائه می‌کنند و به نمایش عموم می‌گذارند. علی محتشم‌امیری، رئیس ستاد برگزاری این نمایشگاه، با بیان اینکه در چند سال اخیر جایگاه جهانی نمایشگاه چوب ایران تقویت شده است، گفت: این نمایشگاه تخصصی‌ترین نمایشگاه بین‌المللی صنایع چوب ایران محسوب می‌شود و تاکنون حضور کشورهای آلمان، ایتالیا، اسپانیا، فرانسه، فنلاند، چین، ترکیه، روسیه، سوئیس، اوکراین، قزاقستان، هنگ‌کنگ و تایوان و برخی دیگر از کشورهای حوزه آسیای میانه در این نمایشگاه قطعی شده است. محتشم‌امیری از علاقه‌مندی کشورهای پیشرو در صنعت چوب برای حضور و مشارکت در این نمایشگاه خبر داد و گفت: برخی از کشورهای حوزه CIS، اروپای شرقی و مرکزی، چین، کشورهای جنوب شرق آسیا و روسیه نیز که از تکنولوژی بالایی در این صنعت برخوردارند، برای حضور در نمایشگاه برنامه‌ریزی کرده‌اند. او خاطرنشان کرد: در این نمایشگاه بیش از ۱۶ گروه تخصصی حوزه‌ها و زیرمجموعه‌های صنعت چوب از جمله، صنایع چوب، ماشین‌آلات حمل‌ونقل و جابه‌جایی چوب، دستگاه‌ها و صنایع بسته‌بندی چوب، کوره‌های خشک‌کن، ماشین‌آلات برش، پرس و پروفیل، نئوپان، MDF، HDF، HDL و دیگر زیرمجموعه‌های این صنعت به نمایش علاقه‌مندان گذاشته خواهد شد. محتشم‌امیری اضافه کرد: در بخش داخلی نیز استان‌های شمالی، جنوب و جنوب غرب کشور با توجه به شرایط و خصوصیات اقلیمی و پیشرفت بیشتر تکنولوژی تولیدات و ماشین‌آلات مرتبط با صنعت چوب در این نمایشگاه مشارکت بسیار بالایی خواهند داشت.

ادامه از صفحه ۵

اهداف توسعه پایدار کشاورزی در راستای اقتصادسبز

در پی این تلاش‌ها، مفهوم اقتصاد کشاورزی سبز برای پیاده‌سازی تعریف و کاربرد اقتصاد سبز با تأکید بر امنیت غذایی ارائه شد (Greening the Economy with Agriculture,GEA). درواقع GEA با هدف ترویج گفت‌وگو و گفت‌وآمان میان کشاورزی، جنگل‌داری و شیلات و دیگر بازرگان، به دنبال استراتژی‌های توسعه پایدار که امنیت غذایی و امنیت ذی‌نفعان را در روند مذاکرات رپو + ۲۰ به دنبال داشته باشد، بوده است. در این مفهوم به موضوعاتی همانند تسهیل دسترسی به منابع و نهاده‌ا و ترتیبات و فرآیندهایی که حرکت به سمت توسعه پایدار را رقم بزند، توجه شده است که برای این منظور مشارکت فعال مباحث در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی را طلب می‌کند. اگر بخواهیم به‌طور خلاصه اهداف یکپذیری شده از سوی GEA را خلاصه کنیم، عبارت است از: دستیابی به امنیت غذایی و تغذیه از طریق یک تعادل مناسب بین تولید داخلی و تجارت، کمک به حق دستیابی به غذای کافی برای همه، اطمینان از معیشت مناسب و معقول روستایی، استفاده از دانش بومی و علمی برای حفظ اکوسیستم‌های سالم که به‌همراه آن تولید مواد غذایی و احترام به محدودیت‌های منابع طبیعی را به‌همراه دارد. دستیابی به این اهداف مستلزم سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه در بخش کشاورزی است. سرمایه‌گذاری در موضوعاتی همانند فناوری نوین، سیستم‌های تولید جدید، نهاده‌سازی و تشکل‌سازی، انرژی‌های نو و پاک، تولید و توسعه به‌کارگیری نهاده‌های تولید دوستدار طبیعت، ابزار و ماشین‌آلات متناسب با شرایط اقلیمی و محیطی و دوستدار طبیعت، حفاظت و صیانت از منابع پایه و منابع طبیعی، معیشت پایدار و افزایش رفاه کشاورز و روستایی و تحقیق و توسعه و ترویج و سایر موارد نیاز به سرمایه‌گذاری دارد. به‌عبارتی دیگر فعالیت‌های نوین بخش کشاورزی در راستای توسعه پایدار و تحقق و توسعه در کشورها توسعه‌یافته در حدود ۲۰۳۵ درصد تولید ناخالص داخلی بخش کشاورزی در سال ۲۰۰۰ بوده است که این رقم برای کشورهای درحال‌توسعه چیزی حدود ۰،۵۵ درصد تولید ناخالص داخلی کشاورزی برای همین سال بوده است. این آمار نشان می‌دهد که کشورهای پیشرفته سرمایه‌گذاری عمومی دولتی درخصوص دستیابی به اهداف توسعه پایدار کشاورزی را به‌خوبی بی‌زری کردند. برآورد شده است که در کشورهای درحال‌توسعه برای پاسخ‌گویی به تقاضا برای غذای جمعیت در حال رشد و چالش‌های ایجادشده به‌وسیله تغییرات آب‌وهوایی لازم است کل مخارج پژوهش یک سوم از زمان حاضر در سال ۲۰۵۰ بیشتر شود.